



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۳

تحلیل فضایی فقر جنسیتی در فضاهاى شهری (مورد مطالعه: شهر قائمشهر)

عامر نیک پور^۱، میلاد حسنعلی زاده^{۲*}

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

milad.hasanalizadeh72@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

چکیده

اتخاذ رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و در مدیریت شهری برای از بین بردن فقر و نابرابری جنسیتی امری اجتناب‌ناپذیر است. هدف از این پژوهش تحلیل پراکنش فضایی شاخص‌ها و نماگرهای فقر جنسیتی در سطح بلوک‌های آماری شهر قائمشهر می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های مربوط به مبانی نظری تحقیق به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی تهیه شده و داده‌های خام پژوهش از بلوک‌های آماری شهر قائمشهر استخراج شده است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران تهیه شده است. برای بی‌مقیاس‌سازی شاخص‌های فقر جنسیتی از روش فازی در محیط نرم افزار *Excel* استفاده شده است. برای تحلیل فضایی فقر جنسیتی از روش‌های لکه‌های داغ، خودهمبستگی فضایی موران، عارضه مرکزی، بیضی انحراف استاندارد و میانگین مرکزی در محیط نرم افزار *Arc Gis* استفاده شده است. نتایج مدل موران نشان می‌دهد که فقر شهری در هر دو گروه مردان و زنان در شهر قائمشهر دارای الگوی توزیع خوشه‌ای و خودهمبستگی فضایی می‌باشد. همچنین بر اساس پهنه‌بندی انجام گرفته ۵۴/۶۴ درصد جمعیت مردان و ۵۲/۹۴ درصد جمعیت زنان شهر قائمشهر فقیر و خیلی فقیر می‌باشند و نیز در هر دو گروه مردان و زنان بیشترین میزان فقر در محله‌های ۵، ۷، ۱۲، ۱۶ و ۱۹ مشاهده می‌شود. همچنین بر اساس مدل‌های عارضه مرکزی، بیضی انحراف استاندارد و میانگین مرکزی نیز مشخص شده است که میانگین مرکزی و مرکز ثقل شاخص تلفیقی فقر در هر دو گروه زنان و مردان در کنار عارضه مرکزی قرار دارد و دارای جهت توزیع جنوب غرب - شمال شرق است.

کلید واژه: تحلیل فضایی، فقر جنسیتی، فضاهاى شهری، شهر قائمشهر

جهان به سرعت در حال شهری شدن است (بزرگوار و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). برای اولین بار در سال ۲۰۰۷، بیش از نیمی از جمعیت جهان، شهری شده‌اند (Christiaensen et al, 2015: 1). در سال ۲۰۱۴، ۵۴ درصد جمعیت جهان در شهرها سکونت گزیده اند؛ در حالی که در سال ۱۹۹۵، ۳۰ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کردند و بنابر تخمین‌های صورت پذیرفته در سال ۲۰۵۰، ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (United Nations, 2014: 1). همچنین بنابر پیش‌بینی‌های صورت پذیرفته در سال ۲۰۲۰، بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در شهرها زندگی خواهند کرد (Christiaensen et al, 2013: 2). در دهه‌های گذشته، رشد شهرنشینی و شهر گرایی، در کشورهای در حال توسعه، شتابان بوده است (Masika et al, 2001: ۳). شهرنشینی روزافزون باعث شهری شدن فقر شده است (Ravallion et al, 2007: 8). یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که شهرهای قرن بیست و یکم با آن مواجه‌اند، تمرکز فقر در آن‌ها است (Simler et al, 2003: 1). شهری شدن فقر از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فقیرنشین خواهد شد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). وجود فقر غالباً زمینه‌ساز بروز انحرافات اجتماعی و بستر مناسبی برای وقوع جرم و جنایت است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰). فقر، پایداری شهرها را در ابعاد اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی تهدید می‌کند (Gray & Moseley, 2005: 2). بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد. در نتیجه، برنامه ریزان می‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. شناخت پیچیدگی روابطی که اکنون بر زندگی شهری و فضای شهرها حاکم است، از نخستین وظایفی است که در تدوین برنامه‌های توسعه باید به آن توجه کرد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳). علیرغم توجه خاصی که به موضوع فقر شهری در مطالعات شهری جهان حاضر شده و می‌شود، جایگاه این‌گونه مطالعات در پژوهش‌های جغرافیایی کشورمان چه در بعد نظری و چه در ابعاد آماری خالی است و در این رابطه نوعی خلأ احساس می‌شود. البته مقوله فقر شهری در حوزه‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. نظر به اینکه فقر دارای ویژگی‌های جغرافیایی در ابعاد مکان و زمان بوده و با توجه به این‌که تقویت حس نوع‌دوستی و تلاش برای بهبود زندگی بشر از مهم‌ترین اهداف آموزشی جغرافیا است، ارائه چنین پژوهش‌هایی ضمن غنی‌سازی ادبیات جغرافیای کشورمان می‌تواند به‌عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی در فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

فقر شهری دارای یک بعد مشخص جنسیتی است (Tacoli, 2012: 5). به‌منظور کاهش فقر جنسیتی باید مشارکت زنان را در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار داد. بخش قابل توجهی از مطالعات نشان می‌دهد که هرچند فقر تمام افراد را گرفتار خود می‌سازد، ولی زنان بیش از مردان شهری در معرض فقر تبعیض جنسیتی قرار دارند. این به خاطر آن است که آنان چندان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند. وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است

(شکوری و سعیدی، ۱۳۹۲: ۷۴). مسئله برابری زن و مرد از موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر، ذهن جامعه علمی را بسیار به خود مشغول کرده‌است (کلانتری و فقیه ایمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵). با توجه به اهمیت فزاینده مقوله جنسیتی در شهرها، اتخاذ رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و در مدیریت شهری برای از بین بردن فقر و نابرابری جنسیتی امری اجتناب‌ناپذیر است. رهایی زنان از فقر از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا آمارها نشان می‌دهد که زنان در سطح جهانی و ملی از محرومیت‌های مضاعف رنج می‌برند. بنابراین، این مفهوم اساسی می‌بایست در نظام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تخصیص منابع، اجرا و ارزشیابی از عملکرد مسئولین وارد شود و این مهم میسر نمی‌گردد جز با دانش، تخصص، اطلاعات و مهارت لازم (محمدپور و علی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

فقدان خط‌مشی، تصمیمات عجولانه، سرعت و حجم زیاد شهرنشینی و شهرگرایی، فقر را در ایران و به‌خصوص شهر قائمشهر به موضع انفعال کشانیده‌است. بنابراین، شناخت عوامل مؤثر بر فقر و شدت تأثیرگذاری هر یک از عوامل می‌تواند، به‌عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی و استفاده از منابع بهینه برای کاهش فقر و محرومیت در شهر قائمشهر باشد. شهر قائمشهر به‌عنوان یکی از چهار شهر بزرگ واقع در مرکز استان مازندران، در حال حاضر دچار شهرنشینی و شهرگرایی سریع شده است و این خود باعث کمبود خدمات و دسترسی به امکانات برای شهروندان شده است. با توجه به مطالب بیان‌شده، سنجش فضایی فقر جنسیتی در محدوده قانونی شهر قائمشهر در سال ۱۳۹۰ ضروری به نظر می‌رسد؛ و همچنین با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای در زمینه فقر جنسیتی برای شهر قائمشهر انجام نشده‌است، پژوهش حاضر جنبه نوآوری می‌یابد. برای رهایی از فقر یکی از راهبردهایی که باید انجام گیرد، تدوین و استفاده از شاخص‌هایی است که نسبت به مسئله جنسیت و حقوق افراد حساس باشد. در این پژوهش سعی شده است ویژگی‌های فقر شهری، با نگرشی آماری و فضایی برای دو گروه مردان و زنان مورد بررسی قرار گیرد. از این رو مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال می‌باشد که الگوی فضایی فقر جنسیتی در سطح شهر قائمشهر چگونه است؟

مبانی نظری

سلطه و ایدئولوژی و افکار قالبی جنس-جنسیتی بر محیط‌های جغرافیایی تأثیر می‌گذارند و جغرافیای جنسیتی می‌کوشد چگونگی تکوین و تأثیر و تأثر آن‌ها را برملا سازد. جنسیت از روابط اجتماعی زن و مرد با سبقت اقتصادی - سیاسی و سبقت فرهنگی - تاریخی حکایت می‌کند. از این حیث است که تحلیل جنسیتی^۲ به تبیین نقش‌ها و نیازهای زنان و مردان در جامعه خاص و به ویژه مشارکت تعاملی آن‌ها در برنامه‌های توسعه پایدار می‌پردازد. درک روابط جنسیتی در عرصه جغرافیا متضمن تشریح تجارب خاص تاریخی - سیاسی زنان و مردان از نقش‌های جنسیتی در جوامع مختلف است. از این زاویه می‌توان میان روابط جنسیتی و نقش‌های جنسیتی تمایز نهاد. روابط جنسیتی مبین مناسبات اجتماعی زنان و مردانی است که به نحو اجتماعی شکل گرفته و نهادینه شده و از طریق سیاست‌های توسعه، موجب قدرت آنان گردیده است. در حالیکه نقش‌های جنسیتی شامل تولید نسل و انجام وظایف تولیدی و تقسیم کار جنسیتی در عرصه‌های خصوصی و عمومی است که به نابرابری در توزیع منابع

¹ gender

² Gender Analysis

(مایحتاج فعالیت‌ها نظیر زمان، فضا، اطلاعات، تحصیل، شغل، بهداشت، درآمد) و منافع (اهداف فعالیت نظیر غذا، درآمد، منزلت، قدرت، اعتبار) میان زنان و مردان می‌انجامد. در این چشم‌انداز، تحقق برابری جنسیتی^۳ به مشهود سازی برابری، توانمندسازی و مشارکت هر دو جنس در تمامی عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی حکم می‌دهد. در این میان جریان‌سازی برابری جنسیتی در پی آن است که حساسیت فضایی - مکانی منجر به تبعیض‌های جنسیتی را به حداقل برساند. تبعیض جنسیتی^۴ متضمن نابرابری در اعطای حقوق انسانی به هر دو جنس نظیر محرومیت از آموزش، بهداشت، کار، درآمد و نفی خشونت است و اولین گام در این راه عبارت از تثبیت نگاه برابر زنان و مردان به بروز چنین رخدادهایی در عرصه فضا - مکان می‌نماید (محمدی‌اصل، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵). به نظر می‌رسد در بررسی عدالت جنسیتی، آگاهی از تبعیض‌های وارده بر زنان ضروری خواهد بود. تبعیض‌ها و جدایی‌های اعمال شده بر زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۳). هرچند فقر پدیده‌ای عام بوده، ولی گروه‌های مختلف به لحاظ ناهمگن بودنشان به‌طور متفاوتی از آن متأثر شده‌اند، بدین جهت اخیراً محققان در مورد فقر تمایل زیادی درباره مطالعه فقر گروه‌های مختلف اجتماعی در شهرها نشان می‌دهند (Bastos, ۲۰۰۹: ۷۶۸). یکی از ابعاد فقر، رویکرد جنسیتی فقر است. دیدگاه جنسیتی به فقر ادراک مفهوم فقر را افزایش می‌دهد چراکه سبب می‌شود تجزیه و تحلیل توصیفی در علل فقر فراتر رود (Ehrenreich, 2004: 8). زنان هم در علت و هم در نتیجه فقر اثر گذارند. امروزه زنان قسمت اعظم اثرات ناشی از فقر روزافزون جهانی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم را محتمل می‌شوند. این مشکلات ناشی از کمبود امکانات اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی، عرف و سنت‌های محدودکننده، عدم استقلال، فقدان مالکیت زمین، ارث، آموزش، خدمات عمومی و عدم حضور در تصمیم‌گیری‌هاست. در واقع، نابرابری جنسیتی به معنی عدم تساوی در حقوق و منافع اجتماعی به بهانه وجود تفاوت در جنس افراد است. با نگاهی کل‌نگر می‌توان نابرابری جنسیتی را برخاسته از قدرتی نامساوی دانست که حاصل موقعیت نابرابر زنان و مردان در مناسبات و سلسله مراتب اجتماعی است (ناصری خله‌کاهوشی، ۱۳۹۳، ۴۴۴). زنان شهری دسترسی ناعادلانه به کار و شرایط زندگی، سلامت و آموزش و پرورش و ... دارند (Tacoli, 2012: 5). فقر زنانه یکی از مهم‌ترین معضلات عصر حاضر است که میلیون‌ها نفر انسان را به خود گرفتار کرده‌است و در این میان زنان قربانیان تلخ فقر در جهان به شمار می‌روند. اصطلاح فقر زنانه برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط دایانا پیرس مورد استفاده قرار گرفت. این اصطلاح به معنای افزایش زنان در ترکیب جمعیت فقیر می‌باشد. پیرس بیان می‌دارد که درصد زنان در میان فقرا طی دو دهه گذشته پیوسته افزایش یافته است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). با توجه به اهمیت فزاینده مقوله جنسیتی در شهرها، اتخاذ رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و در مدیریت شهری برای از بین بردن فقر و نابرابری جنسیتی امری اجتناب‌ناپذیر است. رهایی زنان از فقر از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا آمارها نشان می‌دهد که زنان در سطح جهانی و ملی از محرومیت‌های مضاعف رنج می‌برند. بنابراین، این مفهوم اساسی می‌بایست در نظام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تخصیص منابع، اجرا و ارزشیابی از عملکرد مسئولین وارد شود و این مهم میسر نمی‌شود جز با دانش، تخصص، اطلاعات و مهارت لازم (محمدپور و علی‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۶۸). بنابراین، برای رهایی از فقر یکی از راهبردهایی که باید انجام گیرد، تدوین و استفاده از شاخص‌هایی است که نسبت

³ Gender Equality

⁴ Gender discrimination

به مسئله جنسیت و حقوق افراد حساس باشد. برای تحقق این منظور می‌توان ویژگی‌های فقر شهری را با نگرشی آماری و فضایی برای دو گروه مردان و زنان مورد بررسی قرار داد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت و روش تحقیق مورد استفاده از نوع روش‌های توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، بلوک‌های آماری شهر قائمشهر در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. داده‌های مربوط به مبانی نظری تحقیق به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی تهیه شده و داده‌های خام پژوهش از بلوک‌های آماری شهر قائمشهر استخراج شده است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران تهیه شده است. لازم به ذکر است که به دلیل فقدان بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵، در این پژوهش از بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. ابتدا ۹ شاخص فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان با روش فازی در محیط نرم‌افزار *Excel* بی‌مقیاس می‌شوند و سپس در محیط نرم‌افزار *Arc Gis* با روش لکه‌های داغ^۵ تحلیل فضایی می‌شوند. با تلفیق ۹ شاخص فقر در دو گروه مردان و زنان، شاخص تلفیقی فقر مردان و شاخص تلفیقی فقر زنان حاصل می‌شود. ابتدا این دو شاخص با روش لکه‌های داغ تحلیل فضایی می‌شوند و سپس با تبدیل نقشه لکه‌های داغ به لایه رستر، پهنه‌بندی فقر تلفیقی مردان و زنان انجام می‌شود. در ادامه برای آگاهی از نوع الگوی پراکنش شاخص تلفیقی فقر مردان و زنان از مدل خودهمبستگی فضایی موران^۶ استفاده می‌شود. در انتها نیز برای مشخص کردن جهت فقر دو گروه مردان و زنان از مدل‌های عارضه مرکزی^۷، بیضی انحراف استاندارد^۸ و میانگین مرکزی^۹ استفاده می‌شود. مدل‌های به کار رفته در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- مدل‌های به کار رفته در پژوهش

منبع	نرم‌افزار مورد استفاده	شرح	مدل
عسگری، ۱۳۹۰	<i>Arc Gis</i> (<i>Arc Tool box</i>)	<ul style="list-style-type: none"> - Spatial Statistics Tools <ul style="list-style-type: none"> - Analyzing Patterns <ul style="list-style-type: none"> Average Nearest Neighbor High/Low Clustering (Getis-Ord General G) Incremental Spatial Autocorrelation Multi-Distance Spatial Cluster Analysis (Ripleys K Fun) Spatial Autocorrelation (Morans I) - Mapping Clusters <ul style="list-style-type: none"> Cluster and Outlier Analysis (Anselin Local Morans I) Grouping Analysis Hot Spot Analysis (Getis-Ord Gi*) Optimized Hot Spot Analysis Similarity Search - Measuring Geographic Distributions <ul style="list-style-type: none"> Central Feature Directional Distribution (Standard Deviational Ellipse) Linear Directional Mean Mean Center Median Center Standard Distance 	خودهمبستگی فضایی موران لکه‌های داغ عارضه مرکزی بیضی انحراف استاندارد میانگین مرکزی

⁵ Hot Spot

⁶ Spatial Autocorrelation Moran

⁷ Central Feature

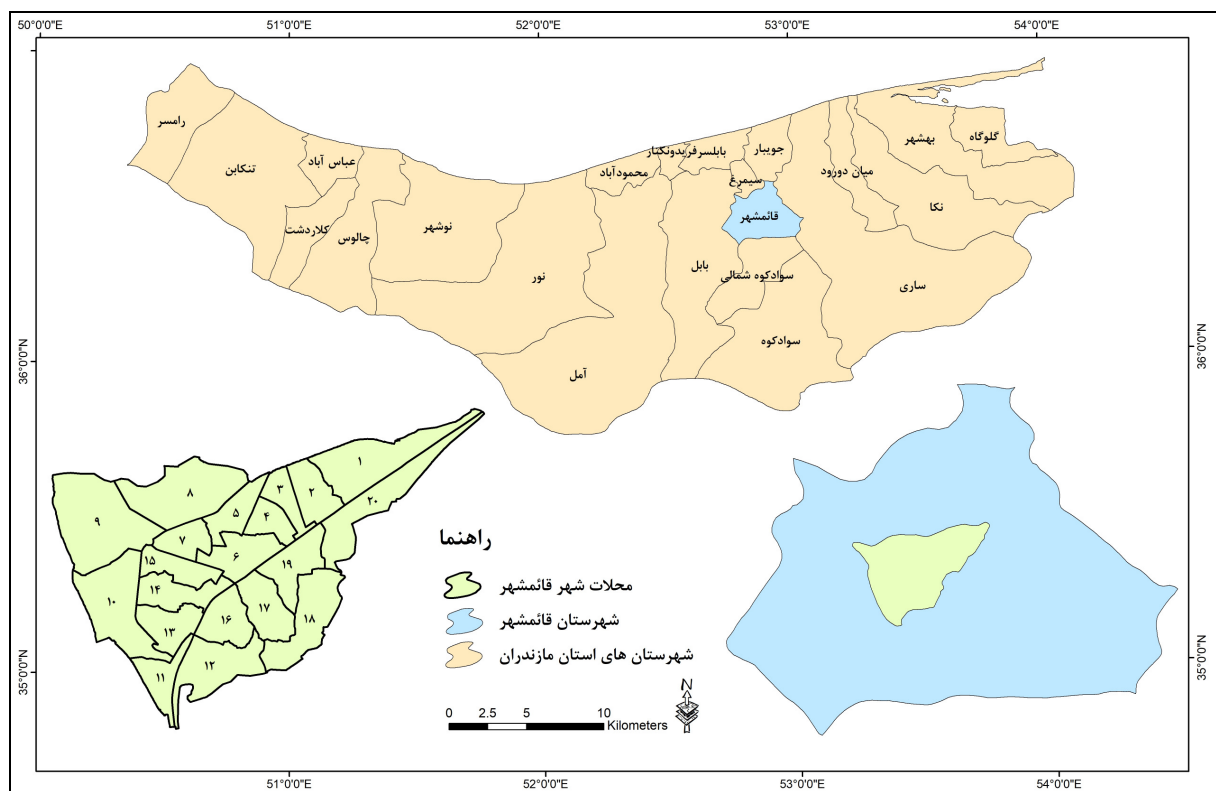
⁸ Standard Deviational Ellipse

⁹ Mean Center

اصغرپور، ۱۳۹۶	Excel	$n_{ij} = \frac{a_{ij} - a_j^{Min}}{a_j^{Max} - a_j^{Min}} \quad (1)$ $n_{ij} = \frac{a_j^{Max} - a_{ij}}{a_j^{Max} - a_j^{Min}} \quad (2)$	بی مقیاس سازی فازی
---------------	-------	---	--------------------

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر، شهر قائمشهر می باشد. شهر قائمشهر یکی از شهرهای استان مازندران است. شهر قائمشهر در ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی تا ۵۲ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این شهر از سمت شمال به شهرستان های جویبار و سیمرغ، از سمت جنوب به شهرستان سوادکوه شمالی، از سمت غرب به شهرستان بابل و از سمت شرق به شهرستان ساری محدود است. این شهر از نظر ارتباطی موقعیت مهمی در استان مازندران دارد. شهرداری قائمشهر در سال ۱۳۱۴ تأسیس شد. این شهر در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰ محله بوده است. جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ برابر ۱۹۶۰۵۰ نفر و در سال ۱۳۹۵ برابر ۲۰۴۹۵۳ نفر بوده است (www.ghaemshahr.ir, 2017).



شکل ۱- قلمرو جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته ها

اطلاعات توصیفی

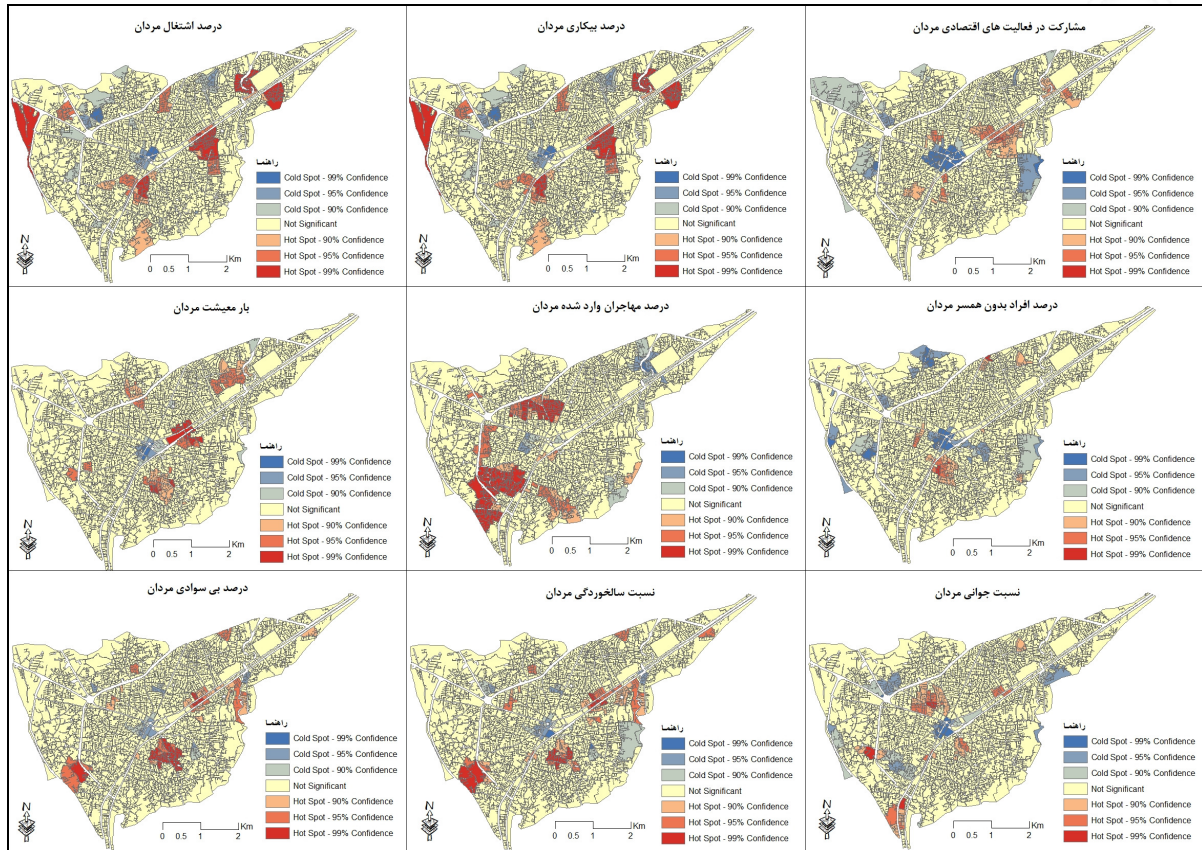
اطلاعات توصیفی شاخص های فقر شهری شامل کمینه و بیشینه و میانگین و انحراف استاندارد در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- اطلاعات توصیفی شاخص‌های فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان در سطح محلات شهر قائمشهر

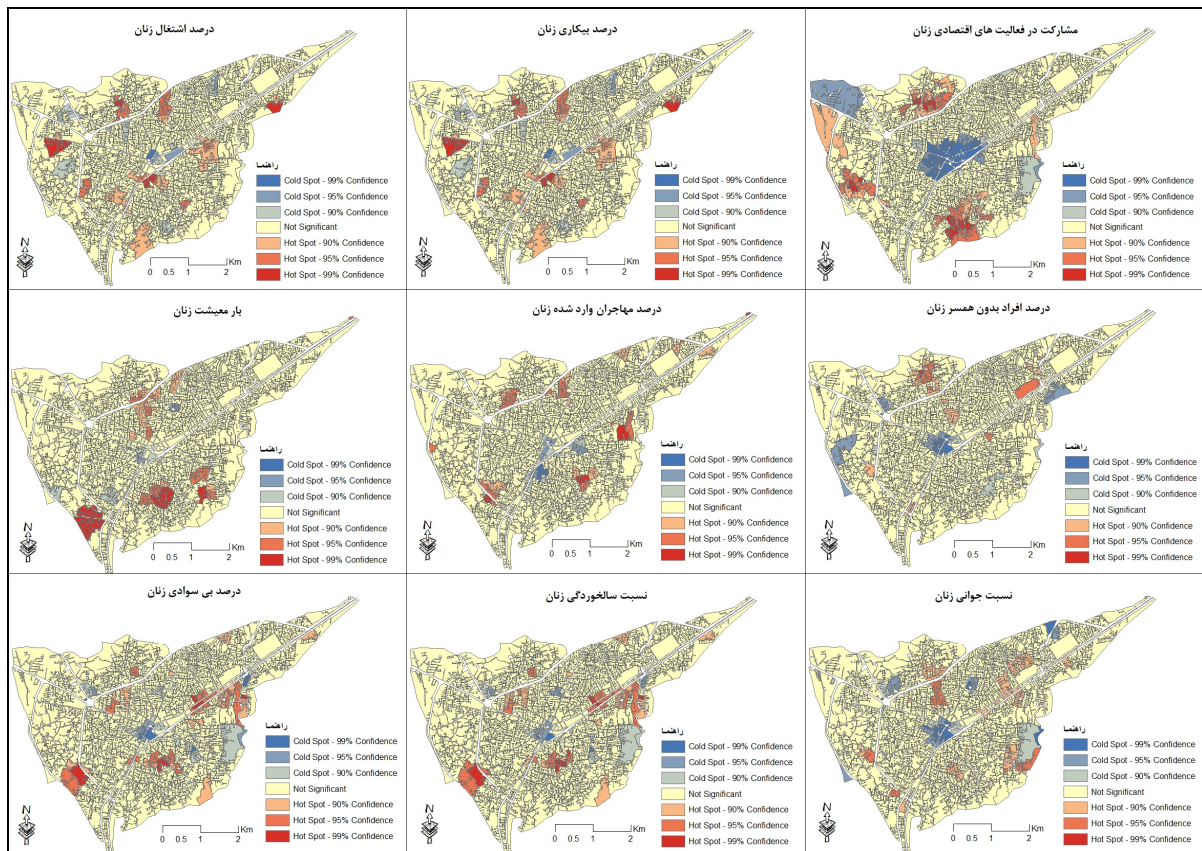
انحراف استاندارد	میانگین	بیشینه	کمینه	شاخص	
				مردان	زنان
۲/۹۶	۸۴/۰۲	۸۹/۲۳	۷۷/۸۲	مردان	درصد اشتغال (-)
۵/۲۴	۶۹/۱۶	۷۹/۴۶	۵۸/۲۷	زنان	
۲/۹۶	۱۵/۹۸	۲۲/۱۸	۱۰/۷۷	مردان	درصد بیکاری (+)
۵/۲۴	۳۰/۸۴	۴۱/۷۳	۲۰/۵۴	زنان	
۱/۷۱	۲۴/۷۲	۲۷/۷۷	۲۱/۳۷	مردان	مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی (-)
۱/۹۱	۷/۸	۱۱/۳۶	۴/۹۹	زنان	
۳۸/۴۴	۲۱۶/۵۴	۲۸۷/۲۶	۱۴۵/۷۶	مردان	بار معیشت (+)
۶۲۶/۴۸	۱۱۵۸/۷۷	۲۴۰۹/۰۹	۰	زنان	
۱/۵۸	۶/۴۱	۱۰/۱۳	۳/۱	مردان	درصد مهاجران وارد شده (+)
۲/۳۴	۶/۷۲	۱۱/۵۹	۲/۰۹	زنان	
۳/۶۹	۲۸/۹۴	۳۵/۳۸	۱۹/۹۵	مردان	درصد افراد بدون همسر (+)
۴/۹۸	۲۹/۷۳	۳۶/۴۲	۱۵/۲۷	زنان	
۲/۷	۱۰/۸۶	۱۵/۳۷	۴/۲۴	مردان	درصد بی‌سواد (+)
۱/۴۱	۴/۳۵	۶/۶۵	۱/۴۳	زنان	
۲/۳	۶/۰۳	۱۰/۱۱	۱/۶۷	مردان	نسبت سالخوردگی (+)
۳/۷۹	۶/۲۱	۱۳/۵۸	۰/۱۰	زنان	
۴/۴۸	۱۷/۲۱	۲۳/۷۶	۵/۶۲	مردان	نسبت جوانی (+)
۴/۳۹	۱۵/۸۲	۲۲/۰۷	۴/۲۴	زنان	

تحلیل لکه‌های داغ

بعد از محاسبه کردن شاخص‌های فقر شهری شامل: درصد اشتغال، درصد بیکاری، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، بار معیشت، درصد مهاجران وارد شده، درصد افراد بدون همسر، درصد بی‌سواد، نسبت سالخوردگی، نسبت جوانی برای دو گروه زنان و مردان؛ از روی بلوک‌های آماری و بی‌مقیاس‌سازی فازی آن‌ها، تحلیل لکه‌های داغ برای هر شاخص اقتصادی به طور جداگانه انجام شده است. این تحلیل آماره گتیس- ارد جی را برای کلیه عوارض موجود در داده‌ها محاسبه می‌نماید. همچنین با توجه به امتیاز Z محاسبه شده می‌توان نشان داد که در کجا داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده‌اند. در واقع هرچه امتیاز Z بزرگتر باشد، لکه‌های داغ با رنگ قرمز نشان داده می‌شوند که نشان‌دهنده خوشه‌ای بودن مقادیر زیاد یک شاخص می‌باشد. در مورد Z منفی و معنا دار از نظر آماری، هرچه امتیاز Z کوچکتر باشد، لکه‌های سرد با رنگ آبی نشان داده می‌شوند که نشان‌دهنده خوشه‌ای بودن مقادیر کم یک شاخص می‌باشد. همچنین لکه‌های بی‌تفاوت با رنگ زرد نشان داده می‌شوند که بیانگر عدم وجود خوشه مقادیر زیاد یا کم یک شاخص می‌باشد (عسگری، ۱۳۹۰: ۸۰). شکل ۲ تحلیل لکه‌های داغ را بر روی شاخص‌های فقر شهری برای گروه مردان و شکل ۳ تحلیل لکه‌های داغ را بر روی شاخص‌های فقر شهری برای گروه زنان نشان می‌دهد.



شکل ۲- تحلیل لکه‌های داغ شاخص‌های فقر شهری برای گروه مردان

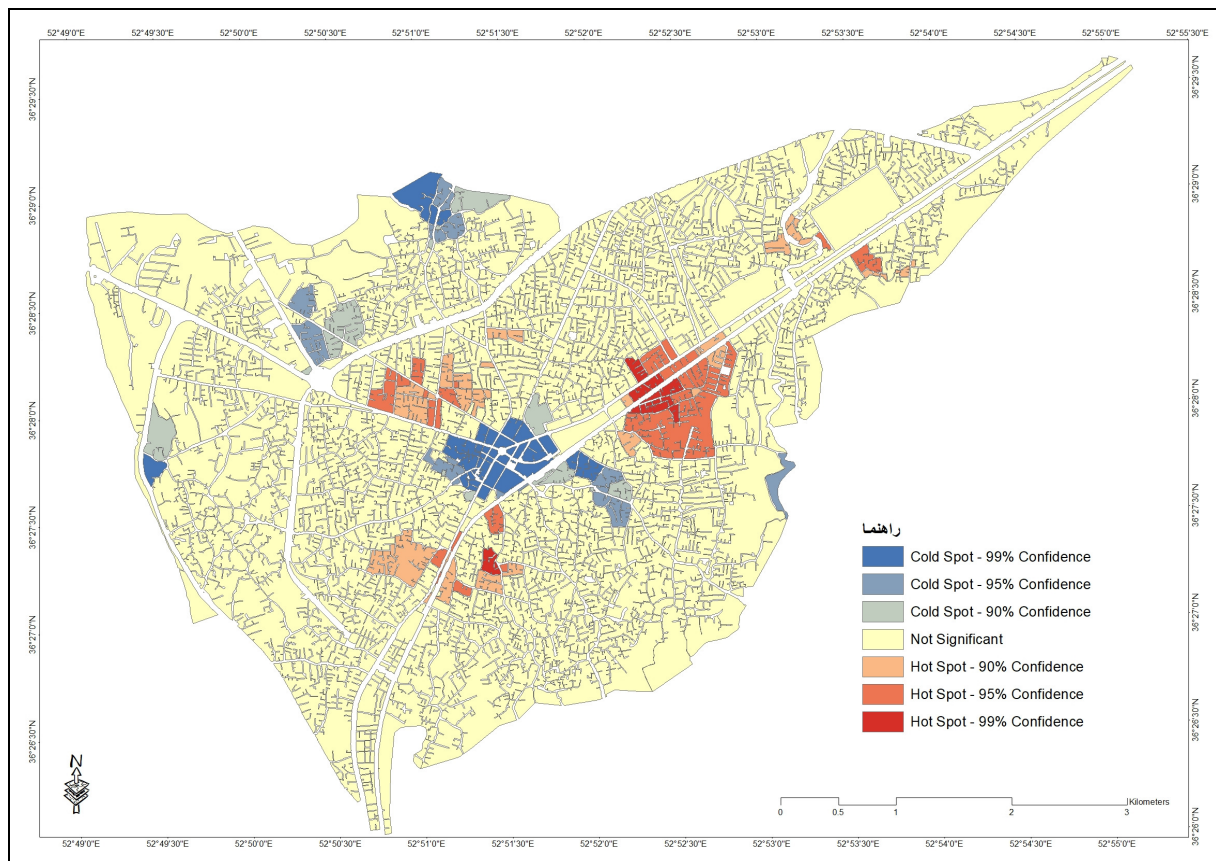


شکل ۳- تحلیل لکه‌های داغ شاخص‌های فقر شهری برای گروه زنان

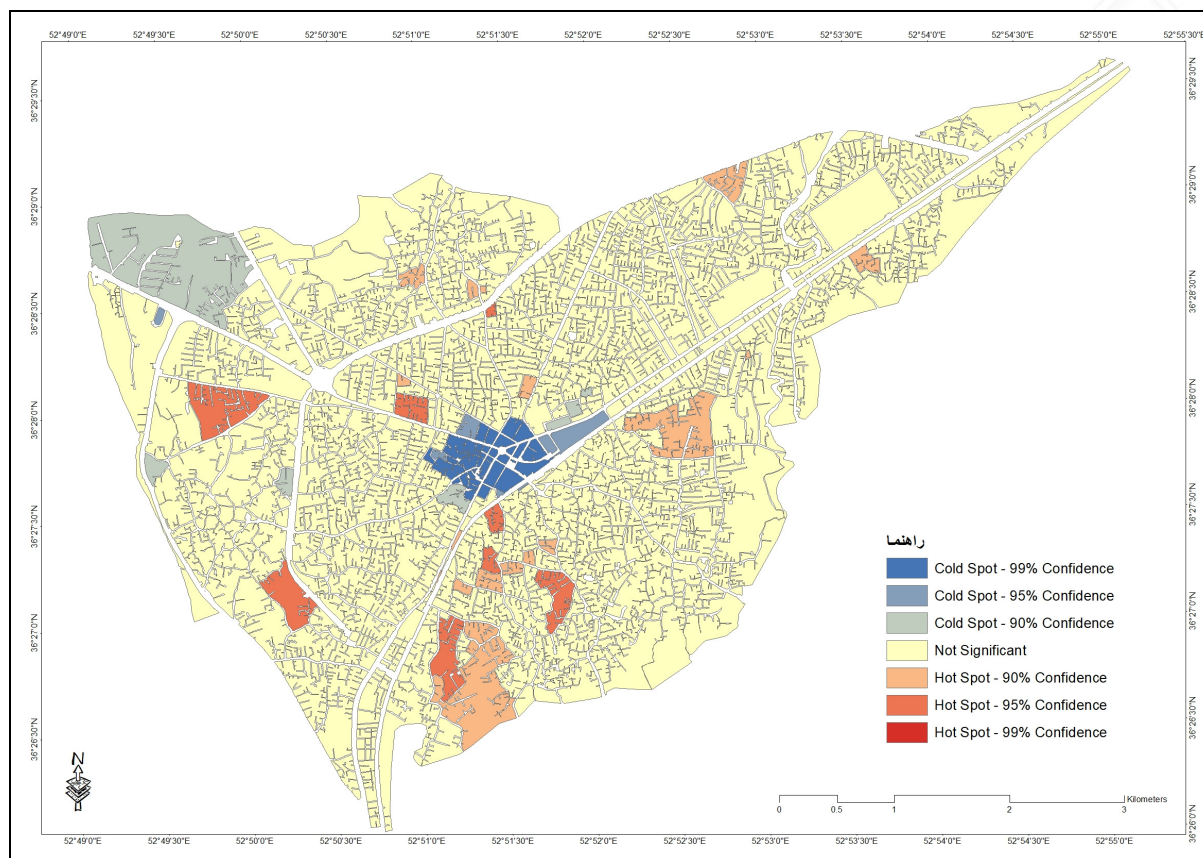
با جمع کردن مقادیر بی‌مقیاس شده شاخص‌های فوق برای هر بلوک در دو گروه مردان و زنان، شاخص تلفیقی فقر شهری برای هر بلوک به دست می‌آید و امکان تحلیل فضایی فقر میسر می‌گردد.

در شکل ۴ تحلیل لکه‌های داغ شاخص تلفیقی فقر برای گروه مردان نشان داده شده است. مطابق این شکل، در نواحی مرکزی منتهی به سمت شرق شهر لکه‌های داغ بیشتری دیده می‌شود که تمرکز بالای فقر را نشان می‌دهد، در نواحی مرکز و شمال شهر نیز لکه‌های سرد بیشتری دیده می‌شود که بیانگر مقادیر پایین تری از شاخص تلفیقی فقر مردان می‌باشد.

در شکل ۵ تحلیل لکه‌های داغ شاخص تلفیقی فقر برای گروه زنان نشان داده شده است. مطابق شکل ۵، مقادیر بالای فقر برای گروه زنان در حاشیه جنوبی خیابان کارگر و در محله ۱۹ تمرکز بیشتری دارد و لکه‌های سرد که نشان دهنده مقادیر پایین تر شاخص تلفیقی فقر زنان می‌باشند، در نواحی مرکزی و عمدتاً اطراف میدان طالقانی (محله ۶) و همین طور در شمال شهر یعنی محله ۸ دیده می‌شود.



شکل ۴- تحلیل لکه‌های داغ شاخص تلفیقی فقر برای گروه مردان

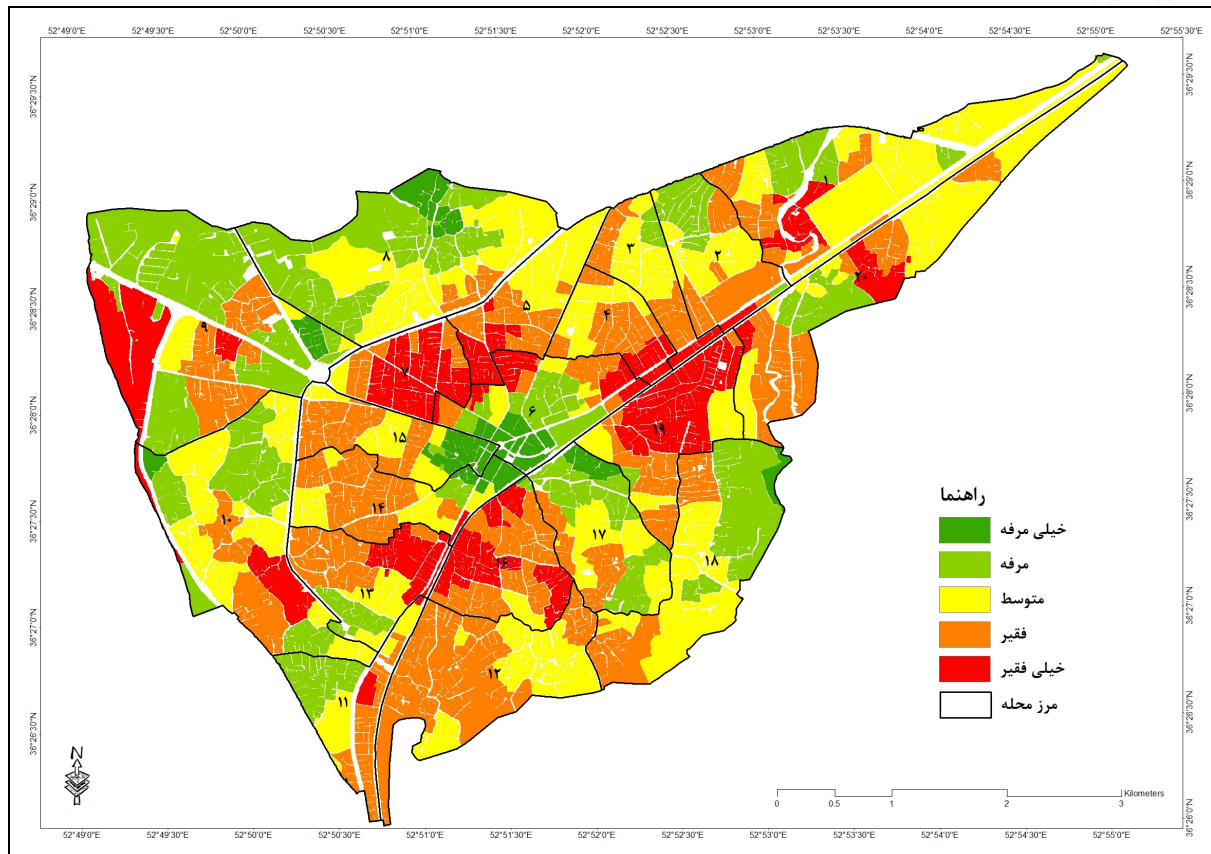


شکل ۵- تحلیل لکه‌های داغ شاخص تلفیقی فقر برای گروه زنان

پهنه‌بندی شاخص تلفیقی فقر

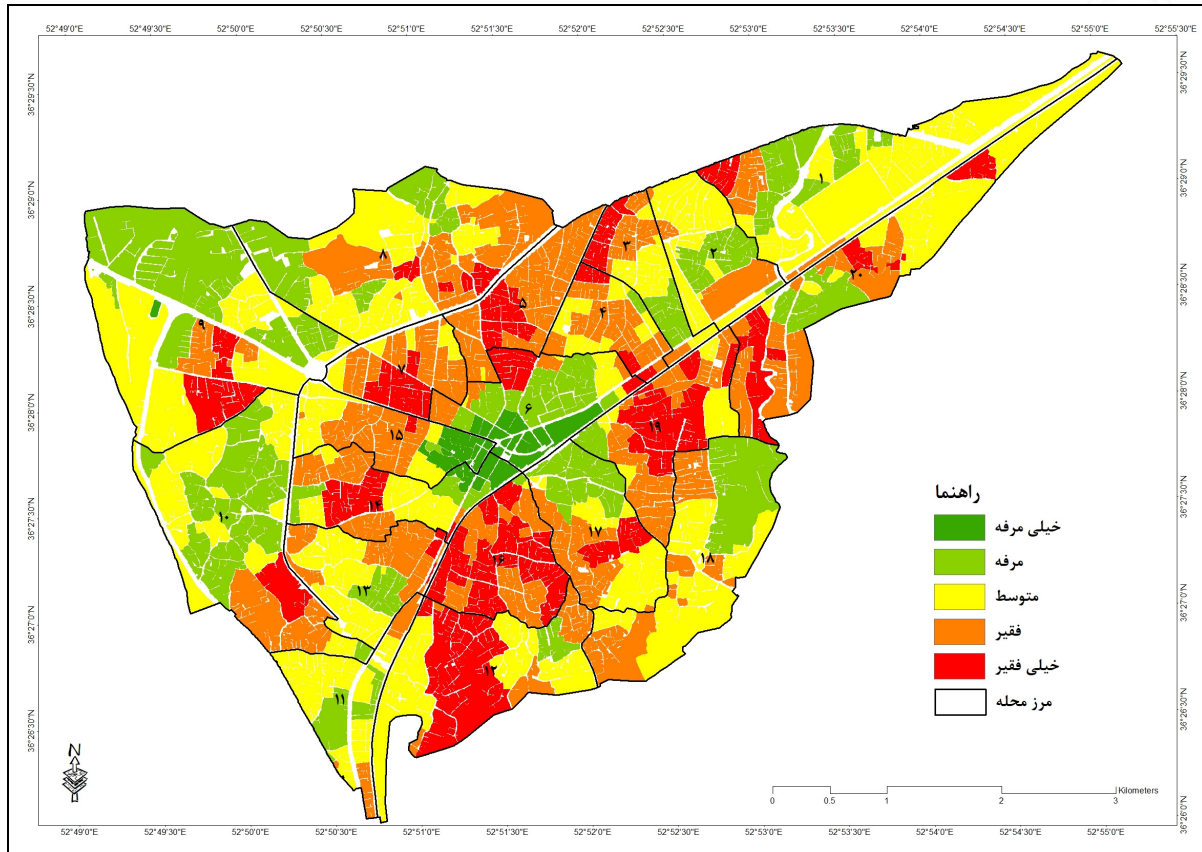
با تبدیل نقشه لکه‌های داغ شاخص تلفیقی فقر شهری به لایه رستر، نقشه پهنه‌بندی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان ترسیم شده است.

شکل ۶ پهنه‌بندی فقر شهری برای گروه مردان را نشان می‌دهد. در این شکل ۶۸۵ بلوک شهری با توجه به شاخص تلفیقی فقر مردان در ۵ سطح طبقه‌بندی شده‌است. پهنه‌های خیلی فقیر با رنگ قرمز مشخص شده‌است که ۱۷/۸۱ درصد بلوک‌ها، ۱۳/۵۲ درصد مساحت و ۱۶/۹۷ درصد جمعیت را در بر می‌گیرند و بیشتر در محله‌های ۷، ۱۶ و ۱۹ مشاهده می‌شوند. پهنه‌های فقیر با رنگ نارنجی مشخص شده‌است که ۲۹/۷۸ درصد بلوک‌ها، ۲۹/۳۸ درصد مساحت و ۳۷/۶۷ درصد جمعیت را شامل می‌شوند و در تمام قسمت‌های شهر و به‌ویژه در قسمت جنوب شهر مشاهده می‌شوند. پهنه‌های متوسط نیز با رنگ زرد مشخص شده است که ۲۵/۵۵ درصد بلوک‌ها، ۲۹/۷ درصد مساحت و ۲۸/۱۵ درصد جمعیت را شامل می‌شوند که در تمام قسمت‌های شهر به صورت پراکنده مشاهده می‌شوند. پهنه‌های مرفه با رنگ سبز روشن مشخص شده‌است که ۱۸/۶۹ درصد بلوک‌ها، ۲۴/۱ درصد مساحت و ۱۵/۴۷ درصد جمعیت را در بر می‌گیرند که در تمام قسمت‌های شهر و به‌ویژه قسمت مرکز و شمال غرب شهر مشاهده می‌شوند. پهنه‌های خیلی مرفه بیشتر در قسمت مرکزی شهر تمرکز دارند که با رنگ سبز تیره مشخص شده است و ۸/۱۸ درصد بلوک‌ها، ۳/۳۱ درصد مساحت و ۱/۷۴ درصد جمعیت را شامل می‌شوند.



شکل ۶- پهنه‌بندی فقر شهری برای گروه مردان

همچنین شکل ۷ پهنه‌بندی فقر شهری برای گروه زنان را نشان می‌دهد. در این شکل نیز ۶۸۵ بلوک شهری با توجه به شاخص شاخص تلفیقی فقر زنان در ۵ سطح طبقه‌بندی شده‌است. پهنه‌های خیلی فقیر با رنگ قرمز مشخص شده‌است که ۱۵/۱۸ درصد بلوک‌ها، ۱۴/۷۱ درصد مساحت و ۱۹/۸۶ درصد جمعیت را در بر می‌گیرند و بیشتر در محله‌های ۵، ۷، ۱۲، ۱۶ و ۱۹ مشاهده می‌شوند. پهنه‌های فقیر با رنگ نارنجی مشخص شده‌است که ۲۷/۰۱ درصد بلوک‌ها، ۲۵/۸ درصد مساحت و ۳۳/۰۸ درصد جمعیت را شامل می‌شوند و در تمام قسمت‌های شهر و به‌ویژه در قسمت جنوب و شمال شهر مشاهده می‌شوند. پهنه‌های متوسط نیز با رنگ زرد مشخص شده‌است که ۳۲/۹۹ درصد بلوک‌ها، ۳۵/۰۵ درصد مساحت و ۲۸/۴۴ درصد جمعیت را شامل می‌شوند که در تمام قسمت‌های شهر به صورت پراکنده مشاهده می‌شوند. پهنه‌های مرفه با رنگ سبز روشن مشخص شده‌است که ۱۸/۵۴ درصد بلوک‌ها، ۲۲/۴۳ درصد مساحت و ۱۷/۸۴ درصد جمعیت را در بر می‌گیرند که در تمام قسمت‌های شهر و به‌ویژه قسمت مرکز و شمال غرب شهر مشاهده می‌شوند. پهنه‌های خیلی مرفه بیشتر در قسمت مرکزی شهر تمرکز دارند که با رنگ سبز تیره مشخص شده‌است و ۶/۲۸ درصد بلوک‌ها، ۲/۰۱ درصد مساحت و ۰/۷۸ درصد جمعیت را شامل می‌شوند.

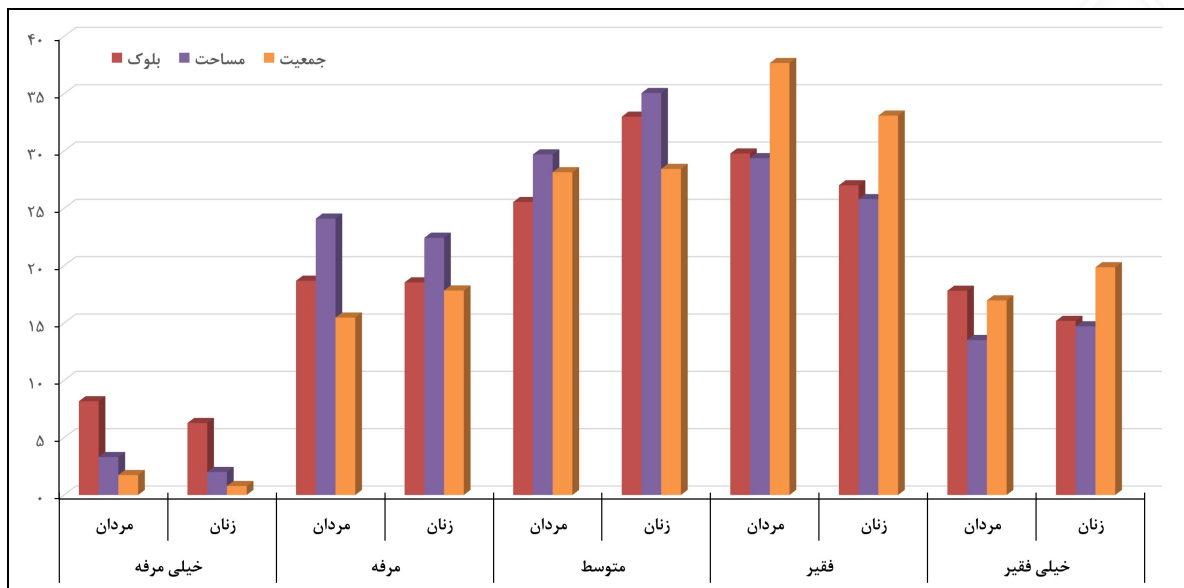


شکل ۷- پهنه‌بندی فقر شهری برای گروه زنان

جدول ۳ و شکل ۸ درصد پراکنش فضایی پهنه‌های فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۳- تعداد و درصد پراکنش فضایی پهنه‌های فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان

جمعیت		مساحت (هکتار)		بلوک		گروه	پهنه‌ها
درصد	تعداد	درصد	مقدار	درصد	تعداد		
۱/۷۴	۳۲۰۵	۳/۳۱	۷۰/۹۶	۸/۱۸	۵۶	مردان	خیلی مرفه
۰/۷۸	۱۳۳۴	۲/۰۱	۴۳/۰۴	۶/۲۸	۴۳	زنان	
۱۵/۴۷	۲۸۵۰۶	۲۴/۱	۵۱۷/۲۸	۱۸/۶۹	۱۲۸	مردان	مرفه
۱۷/۸۴	۳۰۵۲۶	۲۲/۴۳	۴۸۱/۴۵	۱۸/۵۴	۱۲۷	زنان	
۲۸/۱۵	۵۱۸۶۲	۲۹/۷	۶۳۷/۳۴	۲۵/۵۵	۱۷۵	مردان	متوسط
۲۸/۴۴	۴۸۶۷۷	۳۵/۰۵	۷۵۲/۲۹	۳۲/۹۹	۲۲۶	زنان	
۳۷/۶۷	۶۹۴۱۲	۲۹/۳۸	۶۳۰/۴۴	۲۹/۷۸	۲۰۴	مردان	فقیر
۳۳/۰۸	۵۶۶۲۵	۲۵/۸	۵۵۳/۶۵	۲۷/۰۱	۱۸۵	زنان	
۱۶/۹۷	۳۱۲۷۱	۱۳/۵۲	۲۹۰/۰۵	۱۷/۸۱	۱۲۲	مردان	خیلی فقیر
۱۹/۸۶	۳۳۹۹۳	۱۴/۷۱	۳۱۵/۶۳	۱۵/۱۸	۱۰۴	زنان	



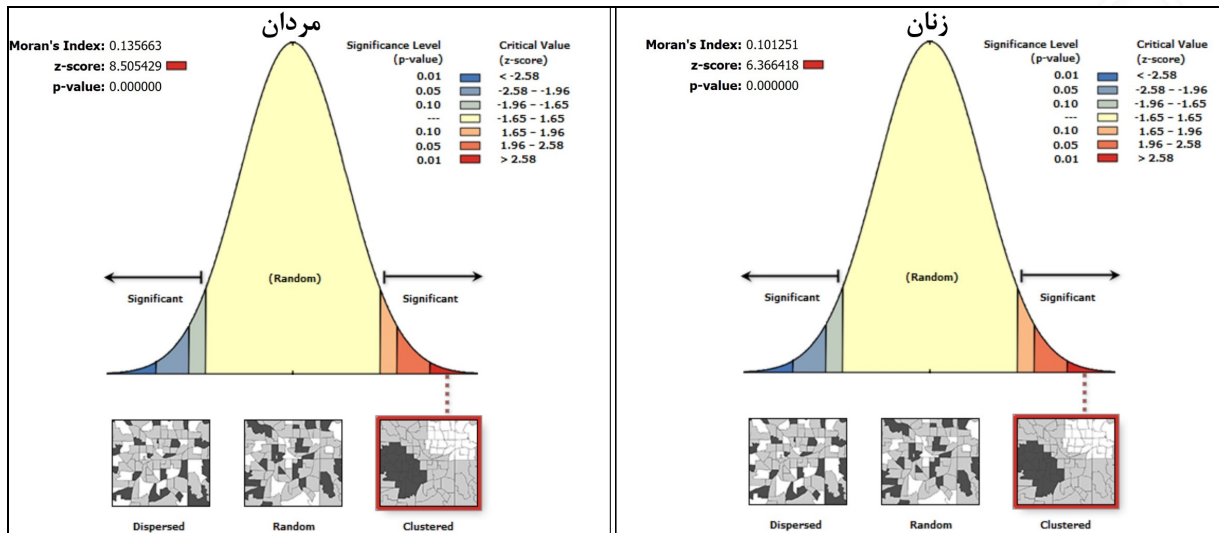
شکل ۸- درصد پراکنش فضایی پهنه‌های فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان

مدل خودهمبستگی فضایی موران

برای آگاهی از نوع الگوی پراکنش شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان از مدل تحلیل خودهمبستگی فضایی موران استفاده شده است. ابزار تحلیل خودهمبستگی فضایی موران به بررسی خودهمبستگی فضایی بر اساس مکان دو مقدار و خصیصه مورد نظر عوارض جغرافیایی می‌پردازد. این تحلیل الگوی توزیع عوارض در فضا را با ملاحظه همزمان موقعیت مکانی و خصیصه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این ابزار نشان می‌دهد که الگوی پراکنش این عوارض با در نظر گرفتن مقادیر خصیصه مورد مطالعه با الگوی تصادفی، خوشه‌ای و یا پراکنده در فضا توزیع شده‌اند (عسگری، ۱۳۹۰: ۶۱). نتایج مدل موران شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان در جدول ۴ ارائه شده است. برای گروه مردان برابر $0/135663$ و برای گروه زنان برابر $0/101251$ به دست آمده است که مقدار آن مثبت و نزدیک به یک است. با توجه به اینکه سطح معناداری این شاخص برای هر دو گروه ۱۰۰ درصد می‌باشد و میزان خطای آن صفر است، می‌توان بیان داشت که این شاخص در هر دو گروه دارای خودهمبستگی فضایی بوده و از الگوی توزیع خوشه‌ای برخوردار است. شکل ۹ مدل موران را برای شاخص تلفیقی فقر شهری در دو گروه مردان و زنان به صورت گرافیکی نشان می‌دهد.

جدول ۴- جدول خودهمبستگی فضایی موران شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان

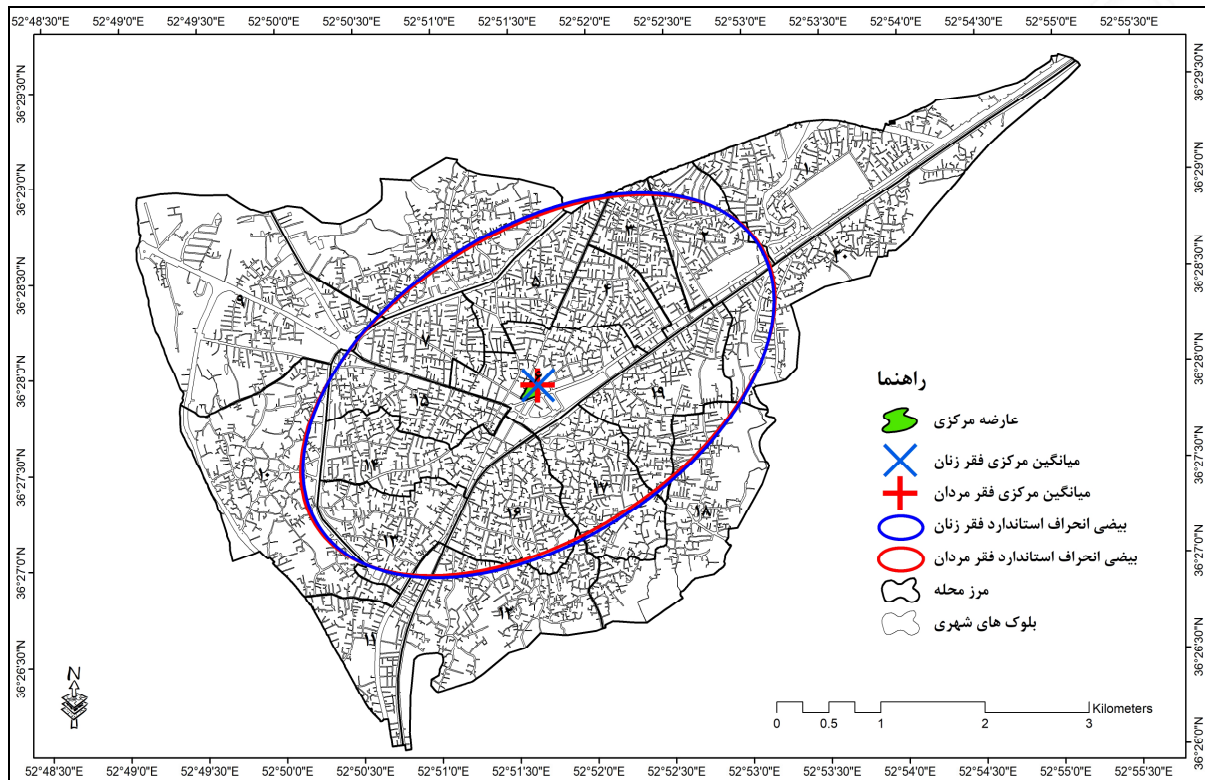
شاخص	مردان	زنان	گروه
شاخص موران	$0/135663$	$0/101251$	
شاخص مورد انتظار	$-0/001462$	$-0/001462$	
واریانس	$0/000260$	$0/000260$	
امتیاز Z	$8/505429$	$6/366418$	
مقدار p	$0/000000$	$0/000000$	



شکل ۹- شکل گرافیکی تحلیل خودهمبستگی فضایی موران برای شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان

مدل‌های عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد

برای آگاهی از جهت تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان از مدل‌های عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد استفاده شده است. عارضه مرکزی مشخص کننده مرکزیت هندسی داده‌ها است. میانگین مرکزی مشخص کننده عارضه‌ای است که با توجه به الگوی توزیع داده‌ها در کانون هندسی و مرکز ثقل شهر قرار می‌گیرد. بیضی انحراف استاندارد نیز نشان می‌دهد که آیا توزیع عوارض جغرافیایی در فضا به صورتی جهت‌دار صورت گرفته‌اند یا خیر (عسگری، ۱۳۹۰: ۸۵، ۸۹، ۱۰۰). نتایج مدل‌های عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد برای شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان در شکل ۱۰ ارائه شده است. مطابق این شکل، عارضه مرکزی در محله ۶ قرار دارد و میانگین مرکزی که مرکز ثقل شاخص تلفیقی فقر برای دو گروه مردان و زنان را نشان می‌دهد، در هر دو گروه مردان و زنان تقریباً منطبق بر هم می‌باشد و در کنار عارضه مرکزی قرار دارند. بیضی انحراف استاندارد شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان تقریباً مشابه یکدیگر می‌باشد و دارای توزیع جهت جنوب غرب - شمال شرق است. بنابراین می‌توان بیان داشت که مرکز ثقل و جهت توزیع شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان دارای اختلاف چشم‌گیری نمی‌باشد.



شکل ۱۰- عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان

نتیجه گیری

فقر شهری یکی از نتایج رشد شتابان شهرنشینی به ویژه در کشورهای در حال توسعه می باشد. یکی از ابعاد فقر، فقر جنسیتی می باشد که از نابرابری در برخورداری زنان و مردان از امتیازات اقتصادی - اجتماعی منتج می شود. زنان حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش مهمی از جمعیت فعال اقتصادی هستند که می توانند سهم به سزایی در توسعه اقتصادی - اجتماعی ایفا کنند. رویکرد جنسیتی در حوزه توسعه اعم از اقتصادی و اجتماعی، یکی از زمینه های مهم توسعه پایدار و عامل مشارکت همه اقشار جامعه در فرایند توسعه است. در حالت کلی هرچند فقر تمام افراد را گرفتار خود می سازد، ولی زنان بیش از مردان شهری در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. همچنین تأکید بر فقرزدایی زنان، نه تنها به دلایل انسان دوستانه و عدالت جنسیتی بلکه به دلیل اهداف توسعه ای و نقشی که در ارتقاء بهره وری و رشد اقتصادی جوامع دارد، صورت گرفته و زنان به عنوان عاملان توسعه قلمداد شده اند. از این رو، آنان در خط مقدم مبارزه با فقر ملاحظه شده که به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی چندان قدرت مشارکتی را در فرایندهای تصمیم گیری خانواده و جامعه نیافته اند. برای از بین بردن مسئله فقر جنسیتی ابتدا باید به شناسایی عوامل فقر جنسیتی پرداخت تا برای کاهش آن اقدامات لازم انجام پذیرد. به طور کلی تحلیل فضایی فقر جنسیتی می تواند به شناسایی مناطقی که از شرایط نامناسب برخوردار هستند کمک کند و با مکان یابی این مناطق و اتخاذ تصمیمات و سیاست های آگاهانه نابرابری جنسیتی را در فضاهای شهری کاهش دهد.

در این پژوهش برای آگاهی از وضعیت پراکنش فضایی فقر جنسیتی در شهر قائمشهر از مدل های لکه های داغ، خودهمبستگی فضای موران، عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد استفاده شده است. نتایج مدل موران نشان می دهد که فقر شهری در هر دو گروه مردان و زنان در شهر قائمشهر دارای الگوی توزیع خوشه ای

و خودهمبستگی فضایی می‌باشد. همچنین بر اساس پهنه‌بندی انجام گرفته در گروه مردان ۵۴/۶۴ درصد جمعیت مردان شهر قائمشهر فقیر و خیلی فقیر می‌باشند، در حالی که در گروه زنان ۵۲/۹۴ درصد جمعیت زنان این شهر فقیر و خیلی فقیر می‌باشند. بنابراین می‌توان بیان داشت که اختلاف میزان فقر در بین فقیر دو گروه مردان و زنان تنها ۱/۷ درصد می‌باشد که اختلاف چندان چشمگیری نیست. همچنین در هر دو گروه مردان و زنان بیشترین میزان فقر در محله‌های ۵، ۷، ۱۲، ۱۶ و ۱۹ مشاهده می‌شود. بر اساس مدل‌های عارضه مرکزی، میانگین مرکزی و بیضی انحراف استاندارد نیز مشخص شده است که میانگین مرکزی و مرکز ثقل شاخص تلفیقی فقر در هر دو گروه زنان و مردان در کنار عارضه مرکزی قرار دارد و دارای جهت توزیع جنوب غرب - شمال شرق است. بنابراین اختلاف چشم‌گیری در مرکز ثقل و جهت توزیع شاخص تلفیقی فقر شهری برای دو گروه مردان و زنان مشاهده نمی‌شود. برای بهبود وضعیت فقیران در مناطق فقیرنشین شهر قائمشهر پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در روستاهای شهرستان قائمشهر توسط دولت از طریق سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و ایجاد اشتغال به منظر کاهش مهاجرت‌های روستاشهری و جلوگیری از تشدید فقر در مناطق فقیرنشین شهر.

- سروسامان دادن به گروه‌های مردم‌نهاد حامی فقیران به منظور برقراری ارتباط موثر بین فقیران و مدیران شهری و اطلاع‌رسانی مشکلات و معضلات آنان به مقامات شهرداری.

- سازماندهی به وضعیت مشاغل غیر رسمی در سطح محلات فقیرنشین.

- ایجاد و توسعه مشاغل خانگی و کسب و کارهای کوچک به‌ویژه در محلات فقیرنشین.

- در اولویت قرار دادن محلات فقیرنشین در تخصیص بودجه محلات شهری توسط مدیران شهرداری شهر قائمشهر.

- ایجاد و توسعه کاربری‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی در سطح محلات فقیرنشین.

منابع و مأخذ

- ۱- اصغرپور، محمد جواد (۱۳۹۶) تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲- بزرگوار، علیرضا؛ زیاری، کرامت‌الله؛ تقوایی، مسعود (۱۳۹۶) سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)، فصلنامه علمی - پژوهشی مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۲، ص ۵-۲۷.
- ۳- رحیمی، اکبر؛ واعضی، موسی؛ محمدی، حجت؛ باکویی، مائده (۱۳۹۷) ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۹، شماره ۳، ص ۲۱۹-۲۴۴.
- ۴- روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری‌زمانی، اکبر؛ زنگنه، علیرضا (۱۳۹۱) توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ص ۷۱-۹۱.

- ۵- روستایی، شهریور؛ کریمزاده، حسین؛ زادولی، فاطمه (۱۳۹۵) بررسی تحلیل فضایی گسترش فقر شهری در شهر تبریز طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۶، شماره ۲۲، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- ۶- روستایی، شهریور؛ کریمزاده، حسین؛ زادولی، فاطمه (۱۳۹۴) تحلیل فضایی پراکنش فقر جنسیتی در فضاهای شهری تبریز، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۴۳-۶۴.
- ۷- شکوری، علی؛ سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۲) فقر خانواده و زنان شهری (با تأکید بر کلان‌شهر تهران)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۱۰، ص ۷۳-۱۰۸.
- ۸- عزیزی، منصور؛ موحد، علی؛ ساسانپور، فرزانه؛ کرده، نعمت (۱۳۹۳) تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد، فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۲۳، شماره ۹۰، ص ۶۰-۶۹.
- ۹- عسگری، علی (۱۳۹۰) تحلیل‌های آمار فضایی با *ARC GIS*، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ۱۰- فرهادی‌خواه، حسین؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ شاهی، عارف؛ ظفری، سعید (۱۳۹۶) تحلیل فضایی فقر شهری در سطح محله‌ها (نمونه پژوهی: شهر مشهد)، مجله اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۲، ص ۱۷-۳۶.
- ۱۱- کلاتری، عبدالحسین؛ فقیه‌ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲) فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره نابرابری جنسیتی، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۴۲.
- ۱۲- مجیدی خامنه، بتول؛ محمدی، علیرضا (۱۳۸۴) درآمدی بر شناخت و سنجش فقر شهری، جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال ۳، شماره ۶ و ۷، ص ۱۳۵-۱۴۵.
- ۱۳- محمدپور، احمد؛ علی‌زاده، مهدی (۱۳۹۰) زنان و فرهنگ فقر؛ مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۸، شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۹۷.
- ۱۴- محمدی، زهرا (۱۳۸۵) زنان سرپرست خانوار، تهران، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- ۱۵- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۰) جنسیت و جغرافیا، تهران، نشر گل آذین.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶) بلوک‌های آماری شهر قائمشهر در سال ۱۳۹۰.
- ۱۷- ناصری خله‌کاهوشی، حسن (۱۳۹۳) تحلیل بر سهم سنی - جنسی خانوارهای شهری شهرهای کوچک و میانه اندام از توزیع فضایی شاخص‌های کالبدی - اجتماعی پدیده فقر شهری (مطالعه موردی: شهر قدس)، اصغری زمانی، اکبر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه زنجان، گروه جغرافیا.
- ۱۸- *Bastos, A (2009) Woman and poverty: a gender-sensitive approach, Journal of Socio-economics, 38, pp 764-778.*
- ۱۹- *Christiaensen, Luc, De Weerd, J and Kanbur, R (2015) Urbanization and Poverty Reduction: The Role of Secondary towns in Tanzania, Prepared for The Planning Commission, President's Office, Tanzania.*

- ۲۰-Christiaensen, L, De Weerd, J and Todo, Y (2013) *Urbanization and Poverty Reduction-The Role of Rural Diversification and Secondary Towns*, The World Bank Africa Region Office of the Chief Economist.
- ۲۱-Gray, L. C. and Moseley, W. G (2005) *A geographical perspective on poverty environment interactions. The Geographical Journal*, 171(1), pp 9-23.
- ۲۲-Masika, R, Arjan, D, Sally, B (2001) *Urbanization and Urban Poverty: A Gender Analysis*, Bridge report, paperback.
- ۲۳-Ravallion, M, Chen, Sh, and Sangraula, P (2007) *The Urbanization of Global Poverty*, World Bank Research Digest, Vol. 1, No. 4, Summer 2007, Washington, DC.
- ۲۴-Simler, K, Harrower, S, Massigarela, C (2003) *Estimating Poverty Indices Form Simple indicators Surveys*.
- ۲۵-Tacoli, Cecilia (2012) *Urbanization, Gender and Urban Poverty: Paid Work and Unpaid Care work in the City*, International Institute for Environment and Development (IIED), *Urbanization and Emerging Population Issues Working Paper 7*, IIED and UNFPA 2012.
- ۲۶-United Nations (2014) *World Urbanization Prospects The 2014 Revision*, The Department of Economic and Social Affairs of the United Nations, New York.
- ۲۷-www.ghaemshahr.ir (2017).